

داستان مسیح را به مشارکت گذاشتن



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: افسسیان ۲: ۱ تا ۱۰؛ اول یوحنا ۴: ۷ تا ۱۱؛ مرقس ۵: ۱ تا ۲۰؛
عبرانیان ۱۰: ۱۹ تا ۲۲؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ اول قرنتیان ۱: ۳۰.

آیه حفظی: «اینها را به شما نوشتم که به نام پسر خدا ایمان دارید، تا بدانید که از حیات جاویدان برخوردارید» (اول یوحنا ۵: ۱۳).

همانطور که در درس‌های قبلی گفته شد، هیچ چیزی شواثر از تغییر زندگی نیست که بتواند درباره قدرت انجیل بگوید. ممکن است، مردم با شما بر سر عقایدتان بحث کنند، تعالیم شما را به چالش بکشند و یا درک شما از کتاب مقدس را زیر سؤال ببرند، اما آنها به ندرت می‌توانند شهادت شخصی شما بخاطر مفهومی که مسیح برای شما دارد و آنچه برای شما انجام داده است را زیر سؤال ببرند.

شهادت دادن یعنی در میان گذاشتن آنچه که در باره مسیح میدانیم. یعنی بگذاریم تا دیگران بدانند که عیسی چه مفهومی برای ما دارد و چه کاری برای ما انجام داده است. اگر شهادت ما صرفاً به تلاش برای اثبات درستی ایمانمان و غلط بودن باور دیگران منتهی شود، با مخالفت شدید روبرو خواهیم شد. اگر شهادت ما در باره عیسی از دل بر آمده باشد که به فیض او دگرگون گشته، و مفتون محبت او گردیده، و از حقیقت وی متحیر شده، دیگران هم از حقیقتی که زندگی ما را تحت تاثیر قرار داده، تحت تاثیر قرار خواهند گرفت. آنگاه حقیقت بیان شده در قالب یک زندگی متحول شده، باعث تغییر در دیگران میشود.

وقتی مسیح در کانون هر اصول اعتقادی باشد، و هر آموزه کتاب مقدسی منعکس کننده شخصیت او باشد، آن کسانی که ما کتاب‌های مقدس را با آنان به اشتراک می‌گذاریم، بیشتر احتمال دارد که کلام او را بپذیرند.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۲ شهریور - ۲۱ سپتامبر آماده شوید.

عیسی: اساس شهادت ما

همه ما به عنوان باورمندان مسیحی، حکایتی برای گفتن داریم، حکایتی درباره اینکه چگونه مسیح زندگی ما را عوض کرده و چه کاری برای ما انجام داده است.

افسیان باب ۲: ۱ تا ۱۰ را بخوانید. ما قبل از اینکه مسیح را بشناسیم، چگونه بودیم؟ از زمانی که مسیح را پذیرفته ایم، چگونه هستیم؟ الف: قبل از شناخت مسیح (افسیان ۲: ۱ تا ۳).

ب: بعد از شناخت مسیح (افسیان ۲: ۴ تا ۱۰).

چه تغییر شگفت انگیزی! ما قبل از اینکه مسیح را بشناسیم، «به علت خطاها و گناهان خود مُرده بودیم. و در مسیر این جهان قدم می‌گذاریم و از حکمران قدرتهای هوا [شیطان]، یعنی همان روحی که اکنون در اشخاص نافرمان و سرکش عمل می‌کند، پیروی می‌کردیم. در آن زمان، ما دستخوش شهوات جسمانی و اسیر تمایلات و افکار نفسانی خود بودیم. درست مانند سایر آدمیان، ما نیز طبیعتاً سزاوار خشم و غضب خدا بودیم». به بیان ساده، ما قبل از اینکه مسیح را بشناسیم در زندگی بی هدف، گم شده و سرگردان بودیم.

ممکن است ما فکر کنیم آنچه را که ظاهراً خوشبختی بوده است، در زندگی تجربه کرده ایم، اما در زندگی ما یک هدف تحقق نیافته و یک احساس روحی ترس و بیم وجود داشته است. با آمدن نزد مسیح و تجربه محبت او همه چیز در زندگی ما تغییر می‌کند. حال در مسیح ما واقعاً «زنده» هستیم. «اگرچه به علت خطاهای خود مرده بودیم، ما دوباره با مسیح زنده شدیم (از راه فیض خداست که شما نجات یافته‌اید). و به خاطر اتحادی که با مسیح داریم، ما را سرفراز فرمود و در قلمرو آسمانی با مسیح نشانید. تا ثروت عظیم و بی‌قیاس فیض خود را، با مهربانی نسبت به ما، در عیسی مسیح در زمانهای آینده نمایان سازد. زیرا به سبب فیض خداست که شما از راه ایمان نجات یافته‌اید و این کار شما نیست بلکه بخشش خداست.» «زندگی جاوید در اوست و این زندگی به تمام مردم نور می‌بخشد» (یوحنا ۱: ۴) و

افسیان باب ۲: ۱۰ را بخوانید. این متن در مورد اینکه کردار نیک در کانون ایمان مسیحی را قرار دارد، چه می‌گوید؟ چگونه میتوانیم این اعتقاد «بدون اجرای شریعت» را در بطن نجات بوسیله ایمان درک کنیم؟

چگونه زندگی شما بوسیله مسیح تغییر کرده، تغییری که احتمالاً به شخص دیگری هم کمک می‌کند تا نزد مسیح آید؟

قدرت متحول کننده شهادت شخصی

یعقوب و یوحنا، پسران زبدی، که به «پسران رعد» (مرقس ۳: ۱۷) معروف بودند. در حقیقت، این لقب را عیسی به آنان داده بود. لقب یوحنا به رفتار تند و آتشین مزاج او در حین سفر عیسی و حواریون به اورشلیم و عبور از شهر سامره مربوط میشود. هنگامیکه آنان سعی می کردند محلی را برای اقامت شبانه پیدا کنند، به دلیل خصومت و ضدیت سامریان علیه یهودیان با مخالفان روبرو شدند. سامریان حتی از دادن محقرترین اقامتگاه‌های خود به آنان امتناع کردند.

یعقوب و یوحنا فکر کردند که راه حلی برای این مسئله دارند. «وقتی یعقوب و یوحنا، شاگردان او، این جریان را دیدند، گفتند: «خداوندا، آیا میخواهی بگویم از آسمان آتشی ببارد و همه آنان را بسوزاند؟» (لوقا ۹: ۵۴). مسیح آن دو برادر را سرزنش کرد، و آنان بی سر و صدا دهکده را ترک کردند. طریق عیسی، طریق محبت و دوستی است، نه مجادله و دعوا و زور. در محضر محبت مسیح، تند خویی و خشم یوحنا، به مهربانی و روحیه ملایم و رحیمانه تبدیل میشود. در رساله اول یوحنا، واژه محبت نزدیک به چهل بار آمده است؛ و در اشکال مختلف، پنجاه بار ذکر شده است.

اول یوحنا باب ۱: ۱ تا ۴؛ اول یوحنا ۳: ۱؛ اول یوحنا ۴: ۷ تا ۱۱؛ و اول یوحنا ۵: ۱ تا ۵ را بخوانید. این آیات درباره شهادت یوحنا و تحولی که در زندگی‌اش در اثر تعامل با عیسی رخ داد، به ما چه می گویند؟

یک اصل جاودانه وجود دارد، که قانون جهان است. خانمِ اِلن جی وایت این اصل را به خوبی بیان می کند: «بکارگیری نیروی زور و اجبار بر خلاف اصول دولت خداوند است؛ او فقط مشتاق به مهرورزی است؛ محبت نمیتواند تحکم کند؛ و زور، اجبار و تحکم نمیتواند پیروز شود. تنها با محبت میشود حس محبت را برانگیخت» (آرزوی اعصار، صفحه ۲۲).

هنگامیکه ما خود را به مسیح میسپاریم، پرتو محبت او از طریق ما بر دیگران می تابد. بزرگترین شهادت مسیحیت، زندگی متحول شده است. این بدان معنا نیست که ما هرگز اشتباه نخواهیم کرد و یا اینکه، ما در بعضی از مواقع در جایی که میبایستی کانال ارتباطی محبت و رحمت او باشیم، نبوده ایم. اما این بدان معناست که در شرایط مناسب، از طریق زندگی ما محبت مسیح به دیگران خواهد رسید، و ما باعث برکت اطرافیانمان خواهیم بود.

چقدر میتوانید به خوبی منعکس کننده محبت مسیح باشید؟ در مورد پیامدهای پاسخ خود فکر کنید.

گفتن حکایت مسیح

اولین مبلغینی که مسیح نزد مردم فرستاد، چه کسانی بودند؟ آنان از میان حواریون مسیح نبودند؟ آنان حتی جزو پیروان طولانی مدتاو هم نبودند. اولین مبلغانی که مسیح نزد دیگران فرستاد مردان دیوزده ای که گرفتار ارواح ناپاک بودند، و در قبرستانی در حومه شهر زندگی میکردند و آنقدر خطرناک بودند که کسی جرأت نداشت از آن منطقه عبور کند و همه از آنان ترس و وحشت داشتند.

حتی یکی از این مردان، بوسیله قدرت شیطانی فوق طبیعی، زنجیرهایی را که به او بسته بودند، گسیخته و پابندهای آهنین را شکسته بود، و با صدائی وحشتناک فریاد میزد و با سنگ های برنده و تیز خود را زخمی میکرد. درد و رنجی که در صدای آنان بود، تنها میتوانست بیانگر عذاب عمیق تر درونی و روحی آنان باشد (مرقس ۵: ۱ تا ۵: متی ۸: ۲۸، ۲۹).

اما آنان به نزد مسیح آمدند و زندگیشان متحول شد. آنان دیگر انسان های قبلی نخواهند بود. عیسی اجازه داد تا ارواح پلید از آنان بیرون رفته و وارد خوک ها شوند و سپس گله خوک ها با سرعت از سراسیمی تپه به طرف دریا دویده و در دریا غرق شدند (مرقس ۵: ۱۳، ۱۴؛ متی ۸: ۳۲ تا ۳۴).

مرقس باب ۵: ۱ تا ۱۷ را بخوانید. چه اتفاقی برای این مردان رخ میدهد، و مردم شهر هنگامیکه آمدند تا ببینند که چه اتفاقی افتاده است، به چه چیزی پی بردند؟

آن دیوزدگان اکنون با قدرت مسیح متحول و انسان های جدیدی شده بودند. مردم دیدند که مردان دیوزده آرام در کنار مسیح نشستند و با دقت تمام به سخنان استاد خویش گوش میدهند. در اینجا باید توجه داشته باشیم که انجیل متی درباره دو دیوانه صحبت می کند، در حالیکه انجیل لوقا فقط بر روی حکایت یکی از آن دو معطوف است. اما نکته مهم در اینجاست که مسیح آنان را از نظر جسمی، عقلی، عاطفی و روحانی شفا داده و حیاتی نو به آنان بخشیده بود.

مرقس باب ۵: ۱۸ تا ۲۰ را بخوانید. مسلماً این دیوزدگان متحول شده، این افراد نو ایمان، میخواستند در کنار مسیح بمانند، اما مسیح آنان را برای انجام چه کاری نزد دیگران میفرستد؟

«برای لحظاتی این مردان، افتخار داشتند که تعالیم مسیح را گوش دهند. آنان تمام

موعظه های او را شنیدند و هیچ کدام را از دست ندادند. آنان قادر نبودند همانند حواریون مسیح مردم را هدایت کنند، زیرا که حواریون هر روزه با مسیح زندگی کرده بودند. اما این مردان شفا یافته، خود بیانگر شواهدی بودند که اثبات میکرد، عیسی همان مسیح موعود است. آنان میتوانستند آنچه را که فهمیده بودند؛ آنچه را که خود از قدرت مسیح دیده، شنیده و حس کرده بودند، را بیان کنند. این همان کاری است که هرکس که مسیح، قلب او را با فیض خود لمس کرده است، میتواند انجام دهد.» (الن جی وایت، آرزوی اعصار، صفحه ۳۴۰). شهادت آنان باعث شد تا دکاپولیس و ده شهر ساحلی دریای جلیل برای شنیدن تعالیم مسیح آماده شوند. این قدرت شهادت شخصی است.

چهارشنبه

۱۹ شهریور

شهادت با اطمینان

اول یوحنا باب ۵: ۱۱ تا ۱۳؛ عبرانیان باب ۱۰: ۱۹ تا ۲۲؛ و اول قرنتیان ۱۵: ۱، ۲ را بخوانید. چه اطمینان خاطری کتاب مقدس در مورد حیات ابدی به ما میدهد که به ما اجازه میدهد تا با یقین از نجات در مسیح، شهادت خودمان را بیان کنیم؟

اگر شخصاً به نجات در مسیح اطمینان نداشته باشیم، قادر نخواهیم بود تا آنرا با دیگران در میان بگذاریم. ما نمیتوانیم آنچه را که خود نداریم با دیگران به اشتراک بگذاریم. مسیحیان مؤمنی وجود دارند که از نجات خود اطمینان ندارند، و نمیدانند که آیا آنان به اندازه کافی انسان‌های خوبی بوده‌اند که بتوانند رستگار شوند. همانطور که یک خردمند و واعظ قدیمی می‌گوید، «وقتی من به خودم نگاه می‌کنم، هیچ امکانی برای نجات خود نمی‌بینم. اما وقتی به مسیح چشم می‌دوزم، امکان نجات نیافتن دیگر وجود ندارد.» «ای تمام مردم جهان، به سوی من باز گردید و نجات یابید! من تنها خدا هستم و خدای دیگری نیست» (اشعیا ۴۵: ۲۲).

پروردگاران از هر یک از ما میخواهد تا به خاطر رستگاری که او به رایگان به ما عطا کرده است، شادمان باشیم. او مشتاق است تا ما آنچه را که به معنای تایید فیض او و رهایی از محکومیت مجازات گناه است، تجربه کنیم. همانطور که پولس در رومیان می‌گوید «پس چون از راه ایمان پارسا شمرده شده ایم، به واسطه خداوندان عیسی مسیح از صلح با خدا برخورداریم، (رومیان ۵: ۱). او اضافه می‌کند که ما می‌توانیم اطمینان داشته باشیم «پس اکنون برای آنان که در مسیح هستند، دیگر هیچ محکومیتی نیست» (رومیان ۸: ۱). یوحنا رسول تایید می‌کند «آن که پسر را دارد، حیات دارد و آن که پسر خدا را ندارد از حیات برخوردار نیست» (اول یوحنا ۵: ۱۲).

اگر با ایمان مسیح را پذیرفته باشیم، او از طریق روح القدس در قلبهای ما ساکن است، و هدیه حیات ابدی امروز از آن ماست. این بدان معنا نیست که، وقتی یکبار فیض رستگاری

خداوند به ما عطا شد، دیگر هرگز هلاک و گمراه نخواهیم شد (دوم پطرس ۲: ۱۸ تا ۲۲؛ عبرانیان ۳: ۶؛ مکاشفه ۳: ۵). ما همیشه با آزادی اختیاری که داریم میتوانیم انتخاب کنیم که از او دور شویم، اما هنگامیکه محبت او را تجربه کردیم و عمق مفهوم قربانی شدن او برای خود را درک کردیم، دیگر هرگز نمیتوانیم انتخاب کنیم تا از کسی که ما را محبت کرده و ما را دوست دارد، دور شویم. و هر روزه به دنبال فرصتهایی خواهیم بود تا فیضی را که مسیح به ما عطا کرده، با دیگران به اشتراک بگذاریم.

آیا شما از نجات در مسیح اطمینان دارید؟ اگر چنین است، این اطمینان بر اساس چیست؟ چرا شما این یقین را دارید؟ این اطمینان شما از کجا نشأت می‌گیرد؟ از طرف دیگر، اگر مطمئن نیستید، به چه علت است؟ چگونه میتوانید این اطمینان را حاصل کنید؟

۲۰ شهریور

پنجشنبه

چیزی که ارزش شهادت را دارد

«وقتی مسیح بر روی صلیب مصلوب شد، در حقیقت من نیز با او مصلوب شدم. پس دیگر من نیستم که زندگی میکنم، بلکه مسیح است که در من زندگی میکند! و این زندگی واقعی که اینک در این بدن دارم نتیجه ایمان من به فرزند خداست که مرا محبت نمود و خود را برای من فدا ساخت» (غلاطیان ۲: ۲۰).

هنگامیکه ما مسیح را می‌پذیریم، مسلماً باید چیزهایی را قربانی کنیم. چیزهایی در زندگی ما وجود دارند که او از ما میخواهد تا رها کنیم. مسیح خیلی واضح تعهدی را که برای پیروی از او لازم است، اینطور بیان میکند: «اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، هر روز صلیب خویش برگردد و از پی من بیاید» (لوقا ۹: ۳۲). مرگ بر روی صلیب، مرگ دردناکی است. وقتی ما زندگی خود را تسلیم او میکنیم تا وعده‌های او را دریافت کنیم، می‌دانیم آن انسان قدیم که ما بودیم، با او بر صلیب شد تا پیکر گناه درگذرد» (رومیان ۶: ۶)، و این دردناک است. برخی مواقع رها کردن و گذشتن از خواست‌ها و تمایلات مورد علاقه و عادت‌های مادام‌العمر دردناک است، اما پاداش آن چیزی که بدست می‌آوریم بسیار ارزشمندتر از آنهاست. شهادت‌های قدرتمندی که بر روی زندگی دیگران تاثیر می‌گذارد و آنها را متحول میکند، براساس آنچه است که مسیح برای ما انجام داد، نه آنچه که ما به خاطر او از آن گذشته ایم. آنها براساس فداکاری او می‌باشد، نه در اثر به اصطلاح «از خودگذشتگی‌های» ما. برای همین مسیح هرگز از ما نمی‌خواهد تا هر چیزی را که حفظ آن به منفعت ماست، رها کنیم.

با اینحال، تاریخ مسیحیت پر از حکایات افرادی است که به خاطر مسیح مجبور به فداکاریهای عظیمی شدند. اما این بدان معنا نیست که این افراد خودشان با اعمالشان به رستگاری نائل شده باشند، مهم نیست که چقدر آنها از خود گذشتگی و ایثارگری از خود نشان

دادند، شایستگی حضور در پیشگاه خداوند به آنان بخشیده شد. در عوض، در بیشتر موارد، با درک آنچه که مسیح برای آنان انجام داده است، این زنان و مردان مشتاق بودند بنا به دعوت خداوند در زندگیشان همه چیز را بر روی قربانگاه ایثار قرار دهند.

یوحنا ۱: ۱۲؛ یوحنا ۱۰: ۱۰؛ یوحنا ۱۴: ۲۷، و اول قرنیتیان ۱: ۳۰ را بخوانید. اظهارات ما همیشه بر اساس کاری است که مسیح برای ما انجام داده است. برخی از عطایای فیض او که در آیات فوق به آنها اشاره شده را ذکر کنید.

با توجه به آیات فوق، درباره آنچه مسیح برای شما انجام داده، بیندیشید. ممکن است، شما مسیحی باشید که تمام زندگی خود را وقف مسیحیت کرده باشید، یا احتمالاً یک تحول عظیم را در زندگی خود تجربه کرده باشید. توجه داشته باشید که چقدر مسیح با شما مهربان بوده و به شما هدف، آرامش، و شادمانی عطا کرده است. به زمان‌هایی بیندیشید که او به شما قدرت داده تا از پس تجربیات تلخ و دشوار زندگی خود برآیید و از آنها گذر کنید.

شما به خاطر مسیح فراخوانده شده‌اید تا چه نوع فداکاری از خود نشان دهید؟ چه چیزی را از تجربیات خود آموخته‌اید که می‌تواند باعث برکت دیگران باشد؟

۲۱ شهریور

جمعه

تفکری فراتر: مرقس باب ۵: ۲۵ تا ۳۴ را بخوانید.

«جمعیت شگفت زده دور مسیح حلقه زده بودند و از همه طرف بر او فشار می‌آوردند، و متوجه صادر شدن هیچ نیرو یا قوت حیات بخش نشدند. اما هنگامیکه زن رنج کشیده با دست خود ردای او را لمس کرد، با ایمان به اینکه اگر ردای او را لمس کند شفا خواهد یافت، زن به فضیلت شفا نائل گردید. پس او به چیزهای روحانی ایمان آورده بود. صحبت از مذهب بدون ایمان و همینگونه، دعا بدون گرسنگی روح و ایمان زنده، هیچ ثمره‌ای ندارد. ایمان صوری به مسیح، و اینکه او را فقط به عنوان ناجی جهان بپذیریم، هرگز نمی‌تواند شفای روح را به ارمغان بیاورد. ایمان به نجات، تنها پذیرش روشنفکرانه و عقلانی حقیقت نیست ... ایمان داشتن درباره مسیح کافی نیست؛ ما باید به مسیح ایمان داشته باشیم. ایمان زمانی باعث برکت میشود و سودمند خواهد بود که به واسطه آن عیسی را به عنوان منجی خود در آغوش بگیریم و به او ایمان داشته باشیم؛ آنگاه شایستگی‌ها و فضائل او را نصیب خود گردانیم ...

«اعتراف ما به وفاوداری و صداقت مسیح، عاملی است که ملکوت برای آشکار کردن

او به جهان برگزیده است. ما باید فیض او را به جهان اعلام کنیم، همانطور که بوسیله مقدسین عهد عتیق به جهان اعلان شد؛ اما موثرترین این اعترافات زمانی است که تجربیات شخصی خود را درباره فیض خداوند به دیگران شهادت می دهیم. هنگامیکه کار عظیم خداوند را در زندگی خود با رفتارمان آشکار می سازیم، شاهدان خداوند خواهیم بود. هر فردی زندگی متمایزی نسبت به دیگران دارد، و تجربیاتی که اساساً با دیگران متفاوت است. خدا مشتاق است که حمد و پرستش ما با خصوصیات و علایق فردی ما به پیشگاه او تقدیم گردد. این اعترافات گرانبها که ما درباره فیض پرجلال خداوند اعلام می کنیم، هنگامیکه توأم با یک زندگی مسیح گونه باشد، قدرت عظیمی است که برای رستگاری بشریت بکار گرفته شود.» *الِن جی وایت*، آرزوی اعصار، صفحه ۳۴۷.

سؤالاتی برای بحث

۱. عوامل یک شهادت قانع کننده چه هستند؟ دفاعیات پولس را در نزد اغریباس، از کتاب اعمال رسولان باب ۲۶: ۱ تا ۲۳ بخوانید. چه چیزی بنیان شهادت او بود؟
۲. چرا فکر می کنید شهادت شخصی ما در مورد کاری که مسیح برای ما انجام داده، بسیار قدرتمند است؟ با اینحال، چگونه به این سوال پاسخ می دهید: خوب، فکر کنید این همان اتفاقی است که برای شما رخ داده است، اما اگر من آن نوع تجربه را نداشته باشم، چه میشود؟ چرا تجربه شما باید قادر باشد به من بگوید که چرا من باید مسیح را پیروی کنم؟
۳. برخی از مواردی که باید در هنگام شهادت دادن به یک بی ایمان از گفتن آنها پرهیز کنید، چه هستند؟
۳. برخی از مواردی که باید در هنگام شهادت دادن به یک بی ایمان از گفتن آنها پرهیز کنید، چه هستند؟
۴. بر روی این سؤال در مورد اطمینان از رستگاری تمرکز کنید. چرا این بخش مهمی از تجربه مسیحی است؟ چگونه میتوانیم از نجات خود اطمینان کسب کرده باشیم در حالیکه هم زمان پیشگویی نکرده باشیم؟